

## ارزیابی تحلیلی از سیر تحولات کنوانسیون میکروبی

سید احمد میرزایی

چکیده: در میان تسلیحات کشتار جمعی، سلاح میکروبی به دلیل سهولت در دسترسی و به‌کارگیری (از نظر فنی و اقتصادی) و دشواری از نظر آشکارسازی (تأخیر زمانی)، از اولویت خاصی در برنامه‌های تسلیحاتی کشورها برخوردار است. از طرفی به دلیل ارتباط ساختاری و ارگانیک به خصوص با صنایع دارویی و بهداشت و درمان، اکثر کشورها با نظارت و کنترل بین‌المللی توافق چندانی ندارند. منافع اقتصادی و نظامی کشورهای صنعتی نیز مانع حمایت لازم از روند کنترل بین‌المللی گردیده است. در طول ۷۱ سال گذشته (از شکل‌گیری کنوانسیون شیمیایی ۱۹۲۵ ژنو که اشاراتی به سلاحهای میکروبی داشت)، همواره تدابیر بین‌المللی در خصوص کنوانسیون میکروبی، دستخوش فراز و نشیبهای سیاسی و تبعات و ویژگیهای تسلیحات میکروبی گردیده است. در سلاح میکروبی مشابهت‌های گسترده‌تری تسلیحات متعارف - کشتندگی سلاحهای شیمیایی و غافلگیری و اثرات بیولوژیکی سلاحهای هسته‌ای مشاهده می‌شود. این عوامل افزون بر سهولت دسترسی توسط کشورهای کوچک باعث نگرانی شدید کشورهای غرب گردیده است. در این مقاله ضمن مروری تاریخی بر تحولات بین‌المللی، مفاد کنوانسیون میکروبی، نقاط ضعف کنوانسیون، کنفرانسهای بازنگری و چشم‌انداز آینده به رشته تحریر در خواهد آمد.

### مقدمه

موضوع «ممنوعیت سلاحهای میکروبی» اول بار پس از جنگ جهانی اول در کنوانسیون شیمیایی ۱۹۲۵ ژنو مختصراً بدین صورت مطرح گردید: «امضاء کنندگان این کنوانسیون متعهد می‌شوند که ممنوعیت استفاده از سلاحهای شیمیایی را به ممنوعیت استفاده از جنگ بیولوژیک تعمیم دهند.»<sup>(۱)</sup>

در این کنوانسیون از ممنوعیت ساخت، ذخیره یا انبار کردن، دستیابی از طرق دیگر مانند خرید، واردات، غنیمت گیری در جنگ، و... و نیز توسعه و آزمایش آن سخنی به میان نیامده بود. از این رو بعضی از کشورها مانند آمریکا و انگلیس علناً به ساخت، توسعه، آزمایش، و ذخیره سازی این سلاحها دست زده، تجربیات کافی در این زمینه کسب کردند.

از آنجا که ساخت این سلاحها نسبت به سلاحهای هسته‌ای آسانتر به نظر می‌رسید، کشورهای بزرگ به هراس افتادند که مبادا کشورهای دیگر در مناقشات منطقه‌ای از این گونه سلاحها بر علیه هم پیمانان آنها بهره جویند. این هراس بیشتر از زمانی شروع شد که شواهدی دال بر به کارگیری سلاحهای میکروبی توسط ژاپن در سالهای ۱۹۴۰ لغایت ۱۹۴۴ و نیز شواهدی مبنی بر استفاده از سلاح شیمیایی توسط عبدالناصر در یمن در سال ۱۹۶۳ بدست آمد.<sup>(۲)</sup>

اگر چه در طول جنگ سرد، غرب همواره نگران برتری بلوک شرق در زمینه سلاحهای بیولوژیک بود، لیکن عامل اصلی تلاش غرب جهت ممنوعیت سلاحهای بیولوژیک، دستیابی کشورهای کوچک بدین سلاح محسوب می‌شود.

مسلسون یکی از دانشمندان آمریکایی متخصص سلاحهای بیولوژیک و برنده جایزه نوبل در بحبوحه جنگ سرد به کیسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا توصیه کرد:

آمریکا باید استراتژی خود را درباره سلاحهای بیولوژیک عوض کند، زیرا اولاً، سلاحهای بیولوژیک بسیار خطرناک هستند و چنانکه بدست کشورهای کوچک و یا گروههای تروریستی بیفتند، آنها قادر خواهند بود به کشورهای بزرگ مانند آمریکا ضربه وارد کنند. ثانیاً، عامل اصلی که ممکن است کشورهای دیگر را ترغیب نماید تا به سلاح بیولوژیک روی آورند، کارهای آشکار آمریکا در باره سلاحهای بیولوژیک است.

این نظریه مورد قبول کیسینجر قرار گرفت و او به نیکسون رییس جمهور وقت پیشنهاد کرد اعلام نماید که آمریکا دیگر سلاح بیولوژیک تولید نمی‌کند. متعاقب آن، نیکسون کمیته‌ای متشکل از نمایندگان شورای امنیت ملی، وزارت خارجه، وزارت دفاع، آژانس خلع سلاح، دفتر سیاستهای علوم و فنون، و سازمانهای جاسوسی تشکیل داد. سپس در نوامبر ۱۹۶۹ آمریکا به طور یک طرفه اعلام کرد که از استفاده سلاحهای بیولوژیک دست برداشته است.<sup>(۳)</sup>

نیکسون برای توجیه عموم چنین اعلان کرد: «سلاحهای بیولوژیک دارای نتایج غیر قابل پیش بینی و کنترل می‌باشند و ممکن است باعث اپیدمی جهانی گردند و نسلها را به خطر

بیندازند، لذا من تصمیم گرفته‌ام که آمریکا استفاده از سلاح بیولوژیک اعم از کشنده و یا ناتوان کننده دست بردارد و به وزارت دفاع دستور داده‌ام که تصمیماتی راجع به سلاحهای بیولوژیک ذخیره شده اتخاذ نماید». بی‌تردید هدف اصلی سیاست آمریکا جلوگیری از تولید و انتشار سلاح بیولوژیک بود. (۴)

جالب توجه اینکه آمریکا در مقطعی، چنین موضعی ظاهراً انسان دوستانه‌ای را در مورد سلاحهای بیولوژیک اتخاذ می‌کند که هنوز کنوانسیون منع سلاحهای شیمیایی مورد تصویب قوه مقننه این کشور قرار نگرفته و حق تلافی را نیز برای خود محفوظ داشته بود.

آمریکا و انگلیس خواستار جدایی معاهدات بیولوژیک و شیمیایی بودند و شوروی بیشتر به ادغام این دو موضوع در قالب یک کنوانسیون تمایل داشت. بالاخره پس از دو سال، شوروی به دو دلیل عمده با پیشنهاد آنان موافقت کرد، یکی به دلیل سیاست تنش زدایی و دیگر اینکه از دستیابی کشورهای کوچک به سلاح بیولوژیک جلوگیری شود. (۵) بالاخره برژنف در تابستان ۱۹۷۲ توافق کشورش را با کنوانسیون خلع سلاحهای بیولوژیک اعلام نمود. با حمایت جمعاً بیست کشور در طول سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ و تصویب قوه مقننه این کشورها، این کنوانسیون قانونیت یافته، به مورد اجرا درآمد.

از بین کشورهایی که برنامه آشکار سلاح بیولوژیک داشتند، فقط آمریکا بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ ظاهراً دست به تخریب انبارهای سلاح بیولوژیک خود با صرف ۱۴ میلیون دلار بودجه زد. با وجود اینکه معلوم شده بود انگلستان در طول جنگ، میکروب سیاه زخم را در جزیره گرونیارد آزمایش کرده است، این کشور سکوت اختیار کرد. همچنین ژاپن و شوروی با وجود به کارگیری این سلاح در جنگ، صحبتی از ذخایر خود به میان نیاوردند.

این امر نشان می‌دهد که عدم دستیابی کشورهای در حال توسعه به این سلاح برای آمریکا مهمتر از دستیابی کشورهای پیشرفته صنعتی بوده است. در این باره نظرات بعضی از دانشمندان آمریکایی بر این بود که سلاح بیولوژیک می‌تواند در عملیات خرابکارانه یا در جنگهای کوچک به سهولت به کار رود. به بیان آنان «تصمیم در باره به کارگیری این سلاحها نه بر اثر تجزیه و تحلیل عملیاتی، بلکه می‌تواند در لحظات غیر عقلانی به کار گرفته شود». (۶)

وحشت غرب از دستیابی کشورهای کوچک به سلاح بیولوژیک از اواخر سالهای ۱۹۶۰ و با شروع انقلاب بیوتکنولوژیک آغاز شد، چون بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک می‌توانست

دستیابی به سلاحهای مخربتر بیولوژیک و گسترش به سایر کشورها را آسانتر کند.

آقای مالکولم داندو در آخرین صفحه کتاب سلاح بیولوژی در قرن ۲۱: بیوتکنولوژی و گسترش سلاح بیولوژیک این گونه نتیجه گیری می کند:

آیا امکان جنگ بیولوژیک در قرن ۲۱ وجود دارد؟ بلی چون طبق گزارش، در سال ۱۹۹۱ آمریکا مبلغ ۱/۱ میلیارد پوند از تجارت محصولات بیوتکنولوژی سود برد و این سود در سال ۲۰۰۱ به ۲۸ میلیارد پوند می رسد. این امر نشان دهنده رشد ۴۰ درصد سالانه این محصولات می باشد. این تکنولوژی می تواند در جهان گسترش یابد، لذا شانس استفاده از سلاح بیولوژیک در قرن آینده اعم از جنگ یا تروریسم و یا خرابکاری اقتصادی بیشتر می شود. (۷)

### مفاد کنوانسیون میکروبی

ماده ۱ کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک می گوید:

دولتهای عضو این کنوانسیون متعهد می شوند که هرگز تحت هیچ شرایطی به توسعه، تولید ذخیره سازی و یا روشی دیگر بدست آوردن و یانگ داشتن عوامل میکروبی و سایر عوامل بیولوژیکی یا سمی از هر منشاء یا روش تولید که باشد در نوع و میزانی که توجیهی برای پیش - درمان، حفاظت و یا سایر مقاصد صلح جویانه نداشته باشد، دست نزنند. همچنین، سلاحها، تجهیزات و وسایل پرتابه ای که برای استفاده چنین عواملی طراحی شده باشد برای مقاصد خصمانه یا جنگ به کار نبرند.

با به کار بردن اصطلاح «مقاصد خصمانه»، دست سازمانهای جاسوسی نیز برای به کارگیری این گونه سلاحها بسته می شود.

این کنوانسیون که به صراحت، تولید، توسعه، ساخت، به کارگیری و ذخیره سازی سلاحهای بیولوژیک را منع کرده بود، دارای نقایص فراوانی بود ولی بانیان کنوانسیون فوق الذکر توانسته بودند در یکی از مواد کنوانسیون (ماده ۱۲) امکان بازنگری هر پنج سال یکبار را بگنجانند. با این امید که بر حسب شرایط سیاسی روز بتوانند کنوانسیون را به نحوی مطلوب و در جهت تامین خواسته های کشورهای دارای حق و تو تغییر دهند.

ماده ۲ کنوانسیون خواستار تخریب سلاحهای بیولوژیک موجود و یا تبدیل آنها برای مقاصد صلح جویانه در عرض ۹ ماه بعد از اجرای کنوانسیون ۱۹۷۵ گردیده است. البته

واقعیات نشانگر تخلف صریح از این ماده می‌باشد.

ماده ۴ کنوانسیون می‌گوید که «دولتها باید هرگونه اقدام برای پیشگیری توسعه، ساخت، انبار و بدست آوردن چنین سلاحهایی را به عمل آورند»، لذا این ماده خواستار وضع قوانین داخلی برای فعالیتهای شخصی، دانشگاهها و سایر موسسات جهت جلوگیری از این گونه اقدامات می‌باشد.

ماده ۱۰ می‌گوید که «دولتها باید به کاملترین نوع ممکن امکان تبادل دستگاه، مواد و اطلاعات علمی و فنی بیولوژیک جهت موارد صلح جویانه را تضمین بنمایند و نیز کنوانسیون نیاستی مانع توسعه اقتصادی و یا تکنیکی در زمینه فعالیتهای صلح جویانه بیولوژیک باشد».

### نقاط ضعف کنوانسیون

کنوانسیون میکروبی فعلی با وجود اینکه نسبت به کنوانسیون ۱۹۲۵ و سایر کنوانسیونها از نقاط قوت فراوانی برخوردار است، دارای نقاط ضعفی به شرح زیر است:

۱- در ماده ۱ وقتی صحبت از فعالیتهای صلح جویانه می‌شود، مرز بین این فعالیتهای با فعالیتهای غیر صلح جویانه مشخص نیست. این اصطلاح «فعالیت صلح جویانه» نقطه ضعفی است که نظامیان می‌توانند از آن برای توسعه اقدامات جنگ بیولوژیک استفاده کنند. تحقیقات و توسعه می‌تواند تحت پوشش فعالیت صلح جویانه و یا حفاظتی (protective) و یا پیشگیرانه (preventive) انجام گیرد و به یک کشور توان میکروبی لازم را تا حد تسلیح (weaponization) بدهد.

مشمول نمودن مراکز تحقیقاتی در زیر چتر نظارتی این کنوانسیون به دلیل تعدد و گستردگی عملاً غیرممکن بود و با توجه به تداخل درحاکمیت ملی و دیگر فعالیتهای توسعه کشورها مقبول نبود. همچنین تحقیقات دفاعی و تحقیقات آفندی از هم جدایی ناپذیرند و ممکن نیست یکی را آزاد و دیگری را منع کرد.

۲- ماده ۵ صحبت از همکاری دول می‌نماید حال آنکه می‌دانیم عملاً بیشتر دولتها بدلیل منافع اقتصادی یا عدم وجود ارتباط دو جانبه دوستانه همکاری لازم را نمی‌کنند.

۳- ماده ۶ صحبت از شکایت از دولت ناقض کنوانسیون می‌کند که چندین مشکل به شرح زیر در بردارد، اولاً، کشورها درمناسبات خصمانه، مایل هستند که یکدیگر را به نقض

کنوانسیون متهم کنند و قضاوت در این باره بسیار مشکل است. چنانکه در طول جنگ تحمیلی مشاهده کردیم که هر وقت عراق سلاح شیمیایی به کار می‌برد، بلافاصله ایران را متهم به به‌کارگیری این سلاح می‌کرد و نمایندگان سازمان ملل نیز عملکرد سیاسی داشتند، یعنی در بعضی از موارد، دو طرف را به نقض کنوانسیون متهم و یا از دو طرف درخواست خویشتن‌داری می‌کردند و به این ترتیب از قبح عمل عراق می‌کاستند.<sup>(۸)</sup> ثانیاً، حق و توی دول قدرتمند، مانع از اجرا شدن این بند در باره خود آنها می‌شود و این تبعیض حاکم بر روح اجرایی کنوانسیون است. ثالثاً، کنوانسیون ساز و کار لازم برای این کار را ندارد. رابعاً، عموماً هماهنگی و یکپارچگی در ارگانهای سیاستگذاری و اجرایی کشورها وجود ندارد و کنوانسیون فاقد اهرم تحلیل و تفکیک و تداخل است. به عنوان نمونه عملکرد سازمان سیا را می‌توان مثال زد که در بطن دولت، تصمیمات رسمی آمریکا را اغماض می‌کند و در آن اختلال می‌نماید که نگهداری سم بیولوژیک توسط سیا بعد از اعلان حذف برنامه جنگ بیولوژیک نیکسون نمونه‌ای از آن است.<sup>(۹)</sup>

۴- مشکل دیگر کنوانسیون درباره کشورهای غیر عضو مانند رژیم اشغالگر قدس است. دست این کشورها برای هرگونه فعالیت بیولوژیک باز است بدون اینکه ممانعت بین‌المللی درکار باشد. در چنین شرایطی تعادل قدرت در کشورهای منطقه به ضرر کسانی است که عضو کنوانسیون شده‌اند.

۵- در ماده ۱۰: این ماده بر همکاریهای بین‌المللی در زمینه بیولوژی جهت اهداف صلح جویانه تأکید شده، لیکن هیچگونه تدابیر عملی پیش‌بینی نگردیده است، لذا کشورهای عضو به موثر بودن کنوانسیون اعتقاد چندانی ندارند. از طرفی کشورهای غربی تحت نام گروه استرالیا در سال ۱۹۹۲، اقدام به تهیه لیست اقلام دو منظوره از عوامل بیولوژیک و شیمیایی و دستگاههای مربوط به تحقیق و تولید نموده، تلاش می‌کنند فروش و صادرات این گونه اقلام به کشورهای جهان سوم را به بهانه امکان استفاده جهت تولید سلاح بیولوژیک منع نمایند.<sup>(۱۰)</sup>

هر چند ماده ۱۰ قول همکاری فنی، تکنیکی و تجاری را از کشورها می‌گیرد، لیکن به هیچ وجه نمی‌تواند مانع از اعمال تحریمهای سیاسی و کنترل صادرات به بهانه کنترل سلاح بیولوژیک شود.

محتمل نیست که ماده ۱۰ کنوانسیون میکروبی بتواند کشورهای جنوب را راضی کند.

مدیر سابق موسسه مطالعات و تحلیل دفاعی در دهلی نو معتقد است که کنترل صادرات، جهان را بیشتر به شمال و جنوب تقسیم می‌کند و این یک عمل نژاد پرستانه است و وسیله‌ای غیر کارآمد در جهت اهداف منع گسترش جهانی (non - proliferation) می‌باشد. همچنین او اضافه می‌کند که هند با وجود اینکه حامی کنوانسیون است ولی مخالف باشگاه سفیدپوستان (یعنی گروه استرالیا) می‌باشد و این «آپارتاید» در امنیت جهانی اخلاص ایجاد می‌کند.<sup>(۱۱)</sup> به هر حال این اشکال ماده ۱۰ باعث می‌شود که کشورهای جهان سوم به بهانه کنترل، از انتقال تکنولوژی و مواد و وسایل جهت اهداف صلح جویانه محروم شوند و این امری است که همواره کشورهای جهان سوم به خصوص ایران در جلساتی چون «ورکس» نارضایتی خود را از آن اعلام کرده‌اند. (به شرح جلسات ورکس بعداً اشاره خواهد شد).

### اصلاحات پیشنهادی

با عنایت به موارد فوق و در صورت تمایل به اقدامات اصلاحی می‌توان مطابق ماده ۱۱ پیشنهادهای زیر را جهت رفع نقایص ماده ۱۰ ارایه نمود. لازم به ذکر است که با توجه به سوابق نشستهای کنوانسیون تاکنون و نظر مثبت اغلب کشورهای در حال توسعه، امکان حمایت قابل توجه از این پیشنهادها وجود دارد.

ماده ۱۰:

۱- کشورهای عضو باید حداکثر امکان تبادل مواد، دستگاهها و اطلاعات علمی و فنی را برای مقاصد صلح جویانه داشته باشند... ۲- این کنوانسیون بایستی طوری اجرا شود که مانع فعالیتهای اقتصادی یا توسعه فنی کشورهای عضو نشود... (بند ۲ و ۱ مانند متن کنوانسیون است و پیشنهاد اصلاح در بند ۳ به شرح زیر است):

«۳- هیچ کشوری نباید به تنهایی و یا در یک گروه به بهانه امکان استفاده در مقاصد خصمانه مانع از تبادل مواد، دستگاهها و اطلاعات علمی و فنی شود و نیز بایستی به تنهایی یا در یک گروه مانع فعالیتهای اقتصادی یا توسعه فنی کشورهای عضو گردد. ممنوعیتهای بین‌المللی برای کشورهای عضو تا زمانی که از طرف شورای امنیت عدم پایبندی کشوری به کنوانسیون اعلان نشده است، مغایر با اهداف کنوانسیون می‌باشد.»

### نشستهای بعد از سال ۱۹۷۲

پس از تصویب این کنوانسیون، ملاقاتهای متعددی بدون حضور کشورهای جهان سوم

بین اعضای هر کدام از دو بلوک و بین سران کشورهای بزرگ صورت پذیرفت.

دو جناح بندی آشکار تحت عنوان کشورهای بلوک غرب به رهبری آمریکا و کشورهای بلوک شرق به رهبری شوروی سابق وجود داشت، چین نیز به صورت یک قطب مستقل و تنها عمل می‌کرد.

هر چند ظاهراً یک جناح بندی نیز تحت نام کشورهای جنبش غیر متعهد وجود داشت ولی هرگز این کشورها در این زمینه (خلع سلاح به طور عام و خلع سلاح میکروبی به طور خاص) بدلائیل زیرانجام چندانی نداشتند: اولاً، اکثر این کشورها تحت نفوذ یکی از دو بلوک و بیشتر بلوک غرب بودند. ثانیاً، موضع خاصی در باره سلاح میکروبی نداشتند زیرا نه قربانی آن بودند، نه اینکه خود را در این موقعیت می‌دیدند که بتوانند چنین سلاحهایی را در اختیار داشته باشند و نه اینکه با وجود سلاحهای کلاسیک احتیاجی به آنها حس می‌کردند. ثالثاً، هرگز تصور نمی‌کردند که چنین کنوانسیونهایی بتواند باعث اختلال در کارهای علمی و تجاری غیر ممنوعه و صلح جویانه آنها نیز بشود. رابعاً، با توجه به وجود دعوای ابرقدرتهای غرب و شرق، که در این ایام هر کدام دیگری را به نقض کنوانسیون متهم می‌کردند، نمی‌خواستند خود را وارد معرکه کنند. در همان زمان که نمایندگان شوروی در حال مذاکره و امضای کنوانسیون خلع سلاح بیولوژیکی بودند، دفتر سیاسی حزب تصمیم گرفت که برنامه سلاحهای بیولوژیکی شوروی را تشدید کند. گزارش کمیته اطلاعات آمریکا در سال ۱۹۸۶ این خبر را از یکی از افراد عالی رتبه شوروی نقل می‌کند. آژانس خلع سلاح آمریکا در گزارش خود نوشت که شوروی چنان در سلاحهای بیولوژیکی پیشرفت کرده است که ما قادر به دفاع از آن نیستیم. شاید این موضوع بهانه‌ای برای ادامه فعالیت‌های بیولوژیکی آمریکا این بار تحت نام دفاع بیولوژیک بوده است - به خصوص به کارگیری مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی در خدمت جنگهای بیولوژیک از این پس تشدید گردید. همچنین به این بهانه که شوروی کنوانسیون را نقض کرده است اتهام آمریکا علیه شوروی مبنی بر به کارگیری باران زرد توسط روسیه در جنوب شرقی آسیا و افغانستان باعث شد که برنامه وسیع واکسن سازی از طرف آمریکا درباره عوامل بیولوژیک به کار افتد. این برنامه واکسن سازی خود پوششی بود برای تولید انبوه میکروارگانسمها که این بار تحت عنوان واکسن ذخیره شده بودند. البته فرانسه و انگلستان نیز در این مسابقه شرکت و وسیع داشتند. با توجه به این جو بود که پنتاگون در لفافه، تغییر عقیده خود را نسبت به زمان نیکسون درباره سلاحهای بیولوژیک اعلان کرد، هر چند به ظاهر علاقه‌ای به ادامه برنامه سلاحهای بیولوژیک نداشت،



ولی بودجه‌های هنگفتی که در این باره سالانه تصویب می‌کرد شک برانگیز بود.

اولین کنفرانس بازننگری: اولین کنفرانس بازننگری که در سال ۱۹۸۰ تشکیل شد، صحنه درگیری دو بلوک بود و هر کدام بنابر مصالح خود جایز نمی‌دیدند که این کنوانسیون پیشرفت کند. در بیانیه نهایی این کنفرانس موارد زیر به طور خلاصه مورد بحث قرار گرفت: از کشورهایی که اعلان کرده‌اند سلاحهای بیولوژیک خود را تخریب و یا برای مقاصد صلح جویانه به کار گرفته‌اند تشکر شده است و از سایر کشورها نیز خواسته شد که چنین کنند. همچنین از کشورها خواسته شد که در قوانین و مقررات داخلی خود موادی را بگنجانند که در راستای کنوانسیون باشد. از کشورهایی هم که هنوز عضو نشده‌اند خواسته شد که به کنوانسیون بپیوندند.

دومین کنفرانس بازننگری: در کنفرانس بازننگری دوم (۱۹۸۶) نیز موارد زیر مورد بحث و تصویب قرار گرفت:

الف - با توجه به اینکه در صورت دریافت شکایت از کشور ناقض کنوانسیون، شورای امنیت می‌بایست بررسیهای لازم را معمول و به نحو مقتضی از سازمان بهداشت جهانی نیز کمک گیرد، لذا برای اول بار نقش سازمان جهانی بهداشت و نیز تشکیل سازمانی جهت بازرسی مطرح می‌شود.

ب - برای اینکه شک و تردید بین کشورها مورد توسعه سلاحهای بیولوژیک از بین برود، همکاریهای زیر بین آنها باید به عمل آید: ۱- تبادل اطلاعات از جمله نام و آدرس و هدف فعالیت مراکز تحقیقاتی و آزمایشگاههایی که بسیار حفاظت شده می‌باشند تحت عنوان آزمایشگاههای (BL4 یا P4) ۲- تبادل اطلاعات درباره بروز بیماریهای عفونی و توکسینی ۳- انتشار نتایج تحقیقات و ملاقات میان دانشمندان. همچنین تصمیم گرفته شد که در آوریل ۱۹۸۷ یک گروه ویژه از دانشمندان تشکیل شود تا روشهای تبادل اطلاعات را بررسی و تعیین کنند. این توافقها نتیجه نرمش شوروی سابق در برابر آمریکا در مذاکرات خلع سلاح و در پی موافقت اصولی این کشور در پذیرش کنوانسیون محسوب می‌گردد. این امر به خصوص پس از روی کار آمدن گورباچف و بینش جدید او درباره خلع سلاح به خصوص در مورد قبول «بازرسی در محل» شکل جدیتری گرفت. در پی این توافقها و پس از اجلاس گروه ویژه دانشمندان در آوریل ۱۹۸۷، آمریکا و شوروی فهرست اولیه مراکز تحقیقاتی بیولوژیکی خود را به طور ناقص اعلان کردند. طبق این لیست اولیه، آمریکا دارای ۵ مرکز تحقیقاتی بیولوژیک P4 (حداکثر

حفاظت) و یک مرکز P3 بود و شوروی ۷ مرکز P4 و ۱۰ مرکز P3 را اعلان کرد. در این کنفرانس همچنین مشکل اصلی سلاح بیولوژیک یعنی شناسایی آن از طرفی چون ماهواره مطرح شد - که در عصر «ژن» این کار مشکلتر می‌باشد.

سومین کنفرانس بازنگری و جلسات بعد از آن: این کنفرانس در سال ۱۹۹۱ در ژنو برگزار شد و موضوعات مورد بحث آن به شرح زیر بود: ۱- از مهمترین اقدامات این کنفرانس بسط و گسترش مبحث اقدامات اطمینان ساز (Confidence Building Measures) CBM بود. کنفرانس از کشورهای عضو می‌خواهد به منظور اطمینان بیشتر و جلوگیری از اتهام به یکدیگر، سالانه فهرستی به شرح زیر به نام «اقدامات اطمینان ساز» را به سازمان ملل گزارش دهند. فهرست A قسمت اول شامل تبادل اطلاعات درباره مراکز تحقیقاتی و آزمایشگاهها فهرست A قسمت دوم شامل تبادل اطلاعات درباره تحقیقات دفاع بیولوژیکی ملی و برنامه‌های توسعه. فهرست B شامل تبادل اطلاعات درباره بروز بیماریهای عفونی و توکسینی در هر کشور، فهرست C تشویق جهت منتشر کردن نتایج تحقیقات، یا فهرست D تشویق به ملاقات دانشمندان کشورها با هم، فهرست E اعلان قوانین و مقررات کشور درباره مواد بیولوژیک، فهرست F اعلان فعالیتهای گذشته درباره برنامه تحقیقات و توسعه آفندی و پدافندی بیولوژیک، فهرست G اعلان مراکز ساخت واکسن.

بعضی از کشورها که از سال ۱۹۸۶ شروع به ارایه یکسری اطلاعات ناقص کرده بودند، بعد از کنفرانس بازنگری سوم اطلاعات کاملتری مطابق فرمهای فوق الذکر ارسال نمودند.

از ۱۴۰ کشور عضو کنوانسیون تا این تاریخ (سال ۱۳۷۴) فقط ۵۰ کشور فرمهای «اقدامات اطمینان ساز» را ارسال کرده‌اند. در یک بررسی مقدماتی مشاهده خواهد شد که بعضی از کشورها مانند آمریکا، به تدریج اطلاعات مراکز خود را داده‌اند. البته این شک وجود دارد که آیا اطلاعات داده شده هنوز کامل و دقیق است یا اطلاعاتی است سوخته و انحرافی و اطلاعات سری هنوز ارسال نشده است. لذا «اقدامات اطمینان ساز» برخلاف نام خود نمی‌تواند اطمینان سایر کشورها را جلب کند و آنها را تشویق به دادن اطلاعات کامل و دقیق بنماید.

از طرف دیگر، استدلال بعضی از کشورها که تاکنون اطلاعات نداده‌اند این است که اگر ما اطلاعات خود را بدهیم و به کنوانسیون اعتماد کنیم چه چیزی در قبال آن خواهیم گرفت؟ تناقض اصول در روح ماده ۱۰ کنوانسیون مبنی بر تبادل کامل مواد و وسایل و داده‌های

تحقیقات بیولوژیک جهت مقاصد صلح جویانه و انسان دوستانه از یک طرف و وجود اقدامات گروه استرالیا از طرف دیگر بر این تردید افزوده است که اگر کشورهای جهان سوم درهای خود را باز کنند آیا تضمینی برای انحلال گروههای فشار مانند گروه استرالیا وجود دارد؟ اینها مباحثی بود که در طول جلسات متعدد مورد بحث و اعتراض کشورهای جهان سوم به خصوص جمهوری اسلامی ایران بود.

کشورهای غربی استدلال می‌کردند که تصمیمات دولتها درباره منع صدور مواد و وسایل به سایر کشورها جدای از کنوانسیون است و لغو تصمیم دولتها کار کنوانسیون نیست. در صورتی که وقتی یک قانون بین‌المللی در حال تدوین است باید جامع و مانع باشد و بتواند جلوی سایر اقداماتی را که ممکن است اصول آن را خدشه دار کند و باعث عدم اطمینان به آن شود بگیرد یا حداقل تحت الشعاع آن قرار نگیرد.

در این کنفرانس مفاهیم مفهوم «اقدامات اطمینان ساز» بیشتر از حد لازم مبسوط گردید، مثلاً فنلاند پیشنهاد کرد که برنامه‌های ایمن سازی نظامی نیز باید اعلان شود و کانادا نیز خواستار شمول همه تاسیسات اعم از دولتی یا غیر دولتی (از جمله شامل تاسیسات داروسازی) گردید. همچنین انگلستان و فرانسه اضافه کردند که دولتها باید در آینده اجباراً صادرات محصولاتی که ممکن است خطر توسعه سلاح بیولوژیک مانند میکروارگانیسمهای پاتوژن را داشته باشند دقیقاً کنترل نمایند.<sup>(۱۲)</sup>

۲- موضوع مورد بحث دیگر در این اجلاس که شاید از مورد فوق الذکر مهمتر باشد «بررسی رژیم بازرسی» بود. رونالد لهمان نماینده آمریکا سه بار در سخنرانی خود گفت که در این کنوانسیون قابلیت بازرسی وجود ندارد هر چند فرانسه بیشتر با بازرسی موافقت نشان می‌داد ولی آن را به جلسات متخصصین ورکس که بعداً تشکیل شد واگذار کرد.

سایر کشورهای غربی سعی کردند که آمریکا را متقاعد سازند که این قدر سخت‌گیری نکنند و موضوع را به گروه متخصصین که بعداً تشکیل شد واگذار نماید تا از نظر علمی و فنی عملی بودن «بازرسی» مورد بررسی قرار گیرد.

نکته‌ای که در این کنفرانس قابل توجه بود نقش سازمانهای غیر دولتی بود. بعضی از این سازمانها مانند فدراسیون دانشمندان آمریکایی (FAS Federation of American Scientists) نقش مهمی در جهت دادن به کنفرانس داشتند. از آنجا که نقش دادن به سازمانهای

غیر دولتی ممکن است باعث تناقض یا تضعیف سیاستهای ملی کشورها شود، کشورهای جهان سوم با این سازمانها چندان موافق نبودند.

به هر حال مجموعه جلسات منجر به تشکیل «اجلاس متخصصان دولتی» (به طور مخفف اجلاسهای VEREX) گردید و سازمانهای غیر دولتی در حاشیه جلسات به عنوان مستمع آزاد حضور داشتند و یا خارج از جلسات رسمی، جلسات غیر رسمی برگزار می‌کردند.

جالب توجه است که فدراسیون دانشمندان آمریکایی که متشکل بیش از صد نفر برنده جایزه نوبل است، برخلاف نظر دولت آمریکا معتقد است که بازرسی از مراکز بیولوژیک ممکن بوده، و ممنوعیتهای کنوانسیون یعنی تسلیح (Weaponisation) از سایر مواد کنوانسیون (مانند تولید میکروب در حد کم برای اهداف خصمانه کوچک مانند اقدامات خرابکارانه) قابل تفکیک و بهتر قابل بازرسی می‌باشد. حتی ممکن است تولید در حد کم اصلاً قابل تشخیص برای بازرسان نباشد. لذا آنچه در جلسات بعد از کنفرانس بازرسی سوم بررسی شد و یا خواهد شد، در حقیقت رفع نقص کنوانسیون سال ۱۹۷۲ یعنی یافتن یک «رژیم بازرسی» است که برای کنفرانس بازرسی چهارم آماده خواهد شد و شاید در قالب «اقدامات اطمینان ساز» جدیدی در آید و شاید تا آن زمان با بازرسی کنوانسیون شیمیایی یکی شود.

در این اجلاس همچنین آلمان بیشتر تاکید بر مذاکرات مربوط به آزمایشهای صحرایی با آژوسول به مقصود اهداف حفاظتی نمود. گام دیگر در این اجلاس که در بیانیه نهایی نیز ذکر شد این بود که «دولتهایی که در کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو حق تحفظ داشتند لیکن در کنوانسیون ۱۹۷۲ این حق را ندارند» این اشاره بر حق تحفظ کشورهایمانند آمریکا، کانادا، انگلیس و ایرلند و عراق دارد که در قرارداد ۱۹۲۵ بدین مضمون ذکر نموده بودند: «ما از عوامل سمی استفاده نمی‌کنیم مگر برای تلافی». لذا از این به بعد حتی در موارد تلافی نیز نمی‌توانند از این سلاح استفاده نمایند.

موضوع قابل بحث دیگر در این کنفرانس که با مخالفت کشورهای جهان سوم مواجه شد، موضوع پشتیبانی مالی کنوانسیون با ایجاد یک سازمان جدید برای کنوانسیون بود. کشورهای جهان سوم بدلیل فقر مالی حاضر به این کار نیستند. از این رو و بنا به دلایل دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز بیشتر مایل بود که از سازمانهای موجود مانند سازمان جهانی بهداشت برای بازرسی معمول استفاده شود.

استدلال دیگر جمهوری اسلامی ایران برای بازرسی معمول توسط سازمان جهانی بهداشت این بود که چنانکه سازمان جهانی بهداشت از جایی بازرسی به عمل آورد حق حسن شهرت آن مؤسسه بازرسی شونده حفظ می‌شود ولی در صورت انجام بازرسی توسط سازمان کنوانسیون (چنانکه ایجاد شود)، مؤسسه بازرسی شونده مورد اتهام واقع می‌شود و به حق حسن شهرت و حیثیت تجاری آن لطمه وارد می‌گردد. (۱۳-۱۴)

آنچه در جلسات «ورکس» مورد بحث قرار گرفت حول محور روشهای ممکن برای بازرسی از تاسیسات بیولوژیک بود که شامل ۲۱ اقدام به شرح زیر می‌باشد. (۱۵) ۱- بررسی نشریات، ۲- بررسی اطلاعات درباره نقل و انتقالات کالا، ۳- بررسی قوانین، ۴- بررسی تبادل اطلاعات چند جانبه، ۵- تبادل بازدیدها، ۶- اعلان سالانه فرمهای «اقدامات اطمینان ساز»، ۷- بازرسی به وسیله ماهواره، ۸- بازرسی به وسیله هواپیما و وسایل هوایی، ۹- بازرسی از طریق پایگاههای زمینی، ۱۰- نمونه برداری از بیرون از سایت مشکوک، ۱۱- مراقبت از بیرون از سایت مشکوک، ۱۲- بررسی مدارک از بیرون از سایت مشکوک، ۱۳- وضع توافقیهای بین‌المللی، ۱۴- مصاحبه با کارکنان، ۱۵- بازدید چشمی از داخل سایت مشکوک، ۱۶- شناسایی دستگاههای کلیدی، ۱۷- بررسی اسناد داخل سایت مشکوک، ۱۸- نمونه برداری از داخل سایت مشکوک، ۱۹- آزمایشات پزشکی، ۲۰- مراقبت دایم به وسیله دوربین و ...، ۲۱- مراقبت دایم به وسیله نفر. این اقدامات بعضاً مورد مخالفت بعضی از کشورها از جمله ایران به دلایلی که به ذکر چند مورد آن بسنده می‌شود قرار گرفت: جاسوسی با هواپیما یا غیره. اولاً حاکمیت ملی را نقض می‌کند ثانیاً این کار چندان در کشف مراکز مشکوک موثر نیست ثالثاً هرگونه اقدام به بهانه کشف مراکز مشکوک ممکن است که به شناسایی مراکز نظامی، امنیتی و استراتژیک کشور بینجامد و خود یک اقدام جاسوسی برای سایر کشورها محسوب می‌شود که در نهایت باعث تبعات جبران ناپذیر برای کشور مورد بازرسی خواهد شد. همچنین مصاحبه یک اقدام فضولانه و تجاوز به حریم شخصی افراد محسوب می‌شود و یا آزمایشهای پزشکی اقدامی برخلاف میل افراد است. همچنین بررسی اسناد یک سایت باعث کشف و انتشار اسرار تجاری - علمی آن مرکز می‌شود. قابل توجه اینکه شرکتهای تجاری کشورهای غربی خودشان مایل نیستند که اسرار تجاری خود را فاش سازند و آمریکا نیز با انجام بازرسی توافق ندارد.

ترکیب کنفرانس بازرنگری سوم و جلسات بعد از آن: کنفرانس بازرنگری سوم مصادف بود با فروپاشی اردوگاه شرق، لذا از این پس تحولاتی به شرح زیر در جلسات کنوانسیون پدیدار شد:

اولاً، کشورهای اردوگاه غرب جلسات دایم خود را داشتند، لیکن این بار از آنجا که دیگر غول کمونیست و تقابل دوران جنگ سرد در برابرشان نبود از انسجام قبلی برخوردار نبودند. در یک طرف آمریکا و انگلستان و کانادا قرار داشت و در طرف دیگر اروپای بدون انگلیس، لذا جناح «اروپای قاره‌ای» مطرح شد که شامل کشورهای اروپایی منهای انگلستان می‌شد. ژاپن نیز سعی می‌کرد که منافع مستقل خود را در بین کشورهای غربی جستجو کند. کشورهای اردوگاه شرق نیز هر چند که تحت نام کشورهای شرقی جلسات خود را داشته لیکن اولاً، لزوماً مواضع روسیه را تکرار نمی‌کردند، ثانیاً بعضی از آنها خود را از جلسات کشورهای شرقی کنار می‌کشیدند.

مهمترین تحولات در کشورهای غیر متعهد عبارت بودند از: اولاً، تغییر و تحولات در نام و تعداد کشورها با این شرح که با خروج و یا اخراج یوگسلاوی که از بازیان جنبش عدم تعهد بود و ورود بعضی از کشورهای جدید مانند آفریقای جنوبی، جلسات این گروه در ابتدا دچار تشتت گردید. ثانیاً، با فعال شدن جمهوری اسلامی ایران و همکاری با بعضی از کشورها که موضع مستقل داشتند (مانند کوبا) سعی در جمع آوری و سامان دادن به این گروه گردید. ثالثاً، چین که تاکنون به صورت یک قطب مستقل از دو اردوگاه و نیز تا حدودی مستقل از گروه عدم تعهد عمل می‌کرد کم منافع خود را در این دید که وارد گروه غیر متعهدا شود، لذا از Verex\*<sup>۱</sup> سرم به بعد نام گروه غیر متعهد تبدیل می‌شود به: «غیر متعهدا و سایرین». رابعاً، کشورهای «غیر متعهد و سایرین» از نظر مواضع سیاسی و فعالیت به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند: الف- کشورهای مستقل شامل ایران، کوبا، هند، چین که مداخلات زیادی در جلسات می‌کردند و گاهی بیانیه مشترک می‌دادند؛ ب: کشورهای مستقل و محافظه کار شامل: اندونزی، پاکستان؛ ج: کشورهای متمایل به غرب مانند آفریقای جنوبی؛ د: سایر کشورها که یا مداخله آنها ارزش نداشت و یا اینکه همیشه ساکت بودند. در این میان نقش دو کشور حائز اهمیت بود، اول کشور عراق که قبل و بعد از تجاوز به کویت دو موضع متفاوت داشت. قبل از تجاوز به کویت به عنوان یک کشور مهم عدم تعهد شرکت می‌کرد و در قبال ایران مواضع خصمانه‌ای داشت. بعد از تجاوز به کویت از هیچ اعتبار دیپلماتیک برخوردار نبود و همه کشورها سعی می‌کردند که از آن دوری کنند. هر چند که در جلسات غیر متعهدا سعی می‌کرد که موضع مخالف با آمریکا را اتخاذ کند ولی در جلسات عمومی هرگز دخالت نمی‌کرد و یا اگر دخالت می‌کرد عملاً مورد توجه هیچ کشوری قرار نمی‌گرفت. دوم کشور برزیل بود که با توجه به وسعت و جمعیت و سطح توسعه، کشور با اهمیتی است لیکن مواضع آن به اصطلاح پاندولی بود، یعنی گاهی تحت تاثیر کوبا

عضو خانواده آمریکایی لاتین مواضع مستقل از غرب اتخاذ می‌کرد و گاهی نیز بازگشت به سوی غرب می‌کرد و مواضع متفاوت با کشورهای شجاع غیرمتعهد را اتخاذ می‌نمود. لذا بعد از فروپاشی بلوک شرق و آشکار شدن تضاد منافع بین کشورهای غربی و نیز ابراز شهامت از طرف کشورهای مستقل، این کشورها به فکر این افتادند که مبادا کنوانسیون، دامی باشد که اولاً حاکمیت ملی آنها را زیر سؤال ببرد. ثانیاً، به منافع اقتصادی و میراث علمی و اکولوژیکی آنها لطمه بزند. ثالثاً، مانع از تجارت آزاد شود. رابعاً، به بهانه کنوانسیون، به اسرار تجاری، علمی آنها پی ببرند. خامساً، از این طریق فعالیت‌های نظامی امنیتی مجاز کشورها فاش شود. این بود که وجدان آگاه این کشورها آنان را برآن داشت که در مقاطع مختلف حضور خود را اعلان کنند. در این میان نقش افراد بسیار حایز اهمیت بود چنانکه گاهی نماینده کشوری مانند هند در دو دوره فرق می‌کرد و در این دو دوره شدت و ضعف مواضع آن کشور نیز متفاوت بود. نمایندگان جمهوری اسلامی ایران نیز (به خصوص آنها که دارای تقید و اشراف سیاسی، نظامی و انقلابی بیشتر بودند) نقش مهمی در مقاطع مختلف چه در انسجام دادن به کشورهای مستقل و چه مذاکرات دیپلماتیک با سایر کشورها و چه در گنج‌نیدن مفاد مطابقت منافع ملی و یا جلوگیری از تصویب مواد مغایر با منافع ملی ایفاء کردند.

### نتیجه‌گیری

۱- سلاح‌های میکروبی برای کشورهای غربی و قدرتهای بزرگ، یک سلاح استراتژیک است که می‌تواند در قرن ۲۱ میلادی در مناقشات بین‌المللی، منطقه‌ای و یا خرابکارانه و تروریستی به کار رود. ۲- پیشرفت تکنولوژی و به خصوص انقلاب بیوتکنولوژی در حال گسترش چشمگیر است و می‌تواند در اقتصاد کشورها نقش تعیین‌کننده داشته در خدمت سلاح‌های میکروبی نیز قرار گیرد. ۳- کشورهای بزرگ از این واژه دارند که مبادا چنین سلاحی که بدست آوردن آن آسانتر از سلاح هسته‌ای و شیمیایی است در دست سایر کشورها بیفتد و در عین حال خود مضر بر تصاحب و بهره‌مندی تسلیحاتی هستند. ۴- کنترل تسلیحات یک هدف دراز مدت برای کشورهای غربی است هر چند که این کنترل به منع صدور تکنولوژی و کنترل اقتصاد، بهداشت و سایر اهداف صلح‌جویانه کشورها بینجامد. ۵- کنوانسیون خلع سلاح میکروبی هر چند به ظاهر یک کنوانسیون برای خلع سلاح کامل است لیکن بیشتر به نظر می‌رسد که نوعی «پیمان منع گسترش» جدید است آن هم با مشابتهای تبعیضی و مغایرت‌های اجرایی با اصول رشد و توسعه و حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه.

## یادداشتها

\* Verex نام سلسله جلسات که شامل ۴ جلسه بود که از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ در ژنو برگزار گردید. در این جلسات فقط متخصصین علوم زیستی از کشورهای مختلف، نحوه بازرسی از تاسیسات بیولوژیک و شناسایی فعالیت‌های غیر مجاز بیولوژیک را از نظر علمی بررسی می‌کردند.

- 1) Susan Wright, *Preventing a Biological Arms Race*, (Mitre 1990), p. 368.
- 2) Steven Rose, *CBW*, (London: George G. Harrap Co, 1968).
- 3) Erhard Geissler, *Biological and Toxin Weapons Today*, (SIPRI, 1986) PP. 10-12.
- 4) J.M.C Dermott, *The Killing Winds*, (New York: Arbor House, 1986) pp. 189-200.
- 5) See *Ibid.*, p. 191.
- 6) See *Ibid.*, p. 278.
- 7) Malcolm Dando, *Biological Warfare in the 21st Century*, (Brassey's UK, 1994).
- 8) Conseil de Sécurité, *Rapport de la mission envoyée par le Secrétaire General*, S, 8852, (8 Mai 1987). p. 210.
- 9) See Wright, *op.cit.*, p. 257.
- 10) Australia Group Document, AG/Dec 92/ Press/Chair /8.
- 11) *Ibid.*, p. 206.
- 12) Nicholas Sims, "Achievements and Failures at the Third Review Conference" *Chemical Weapon Bulletin*, No 14/ (Dec 1991).
- 13) Unidir, *The Third Review of the BWC: Issues and Proposals*, (New York: 1991).
- 14) BWC, Conference III, 23, Third Review Conference, Final Document, (Geneva: 1992).
- 15) BWC, Conference III, Verex, 9 Ad hoc Group Report, (Geneva: 1993).